

## مسئله‌ی مالیات در دروه‌ی پیشا مشروطه (با تکیه بر اقدامات و اصلاحات متفکران و مصلحان اجتماعی)

سید هاشم آقاجری<sup>۱</sup>

شقایق فتحعلی زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

اخذ مالیات در حقیقت انتقال اجباری پول یا کالا از صاحبان آن‌ها به دولت است که به تدریج با تحول رفتارها و اندیشه‌های جوامع جایگاهی فراتر از تأمین درآمد دولت در عرصه‌ی اقتصادی و سیاسی یافته است. در ایران عهد قاجار مسئله‌ی مالیات ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد داشته و از آنجا که اصلاح آن عاملی مهم در بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی و به دنبال آن وضع سیاسی کشور بود، در تفکرات و اقدامات مصلحان آن عصر بازتاب یافت، به طوری که اصلاحات و تفکرات آنان گامی شد برای عبور ایران از دوره‌ی گذار پیشا مشروطه به پسا مشروطه و متمرکز شدن شیوه‌ی مالیات‌گیری در پی ایجاد یک حکومت مردم سالار در ایران. بررسی تفکرات مصلحان پیشا مشروطه در عرصه‌ی مالیات، و عواملی که بر عدم تحقق خواسته‌هایشان نقش داشته است، موضوع این مقاله می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** نظام مالیاتی، مؤدیان مالیاتی، مصلحان اجتماعی، پیشا مشروطه، قاجار

۱. گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران [h\\_aghajari@yahoo.com](mailto:h_aghajari@yahoo.com)

۲. کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تربیت مدرس [Fathalizade.ir@gmail.com](mailto:Fathalizade.ir@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۹

## مقدمه

اخذ مالیات یکی از شیوه‌های درآمد حکومت از قرون گذشته تا به امروز بوده است. هدف دولت برای مالیات‌گیری، افزایش عایدات مملکت به منظور صرف آن در بخش‌های عمومی و مملکتی است، که با سیاست مالی خاصی اتخاذ می‌شود. همین امر سبب گردیده که شیوهی جمع‌آوری مالیات و حتی وضع مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم توجه عده‌ی بسیاری از علمای اقتصادی را در هر دوره به خود جلب کند. در این میان، مصلحان عصر قاجار که می‌کوشیدند ایران را از وضعیت بغرنجی که به آن گرفتار شده بود رهایی بخشند و آن را در پله‌ی ترقی و پیشرفت به جلو برانند، اصلاح امور مالی کشور را فراموش نکردند، بلکه آن را در اولویت اقدامات اصلاحی خود قرار دادند، و توانستند اقداماتی را برای بهبود نظام مالیاتی انجام دهند و تغییراتی را در این نظام ایجاد کردند. تفکرات و اقدامات آنان گامی مؤثر برای عبور ایران از دوره‌ی گذار از مالیات‌گیری غیر متمرکز به مالیات‌گیری متمرکز است.

مقاله‌ی حاضر از چند بخش تشکیل شده است، در بخش نخست، با کنار هم گذاشتن اندیشه‌های تبلور یافته در رساله‌ها و اقدامات صورت گرفته در آن دوره، تفکرات مصلحان پیشا مشروطه در عرصه‌ی مالیات را بیان کنیم. در بخش بعدی، به بررسی عواملی می‌پردازیم که بر تحقق یا عدم تحقق یافتن خواسته‌های آنان نقش داشته‌اند؛ و در بخش آخر، با توجه به عواملی که بر روی تشکیلات مالیاتی تأثیر گذاشته‌اند، از نتیجه‌ی عملکرد آنان سخن خواهیم گفت.

## نظام مالیاتی و مشکلات آن در دوره‌ی پیشا مشروطه

در آمدهای حکومت قاجاریه در دوره‌ی پیشا مشروطه از منابع گوناگونی تأمین می‌شد که عبارت بودند از: مالیات‌ها، عواید گمرک، درآمد املاک شاهنشاهی (خالصجات)، عواید حاصل از دادن امتیازات به افراد و دولت‌های خارجی، در آمد تلگرافخانه، پستخانه، ضرابخانه و معادن.

در آن زمان برای اداره‌ی کشور چهار دیوان اصلی وجود داشت که عبارت بودند از: دیوان داخله، دیوان خارجه، دیوان جنگ، و دیوان مالیه. اداره‌ی امور مالیاتی کشور زیر مجموعه‌ی دیوان مالیه بود و دیوان استیفا نام داشت. در این اداره مستوفیان و وزیر بقایا مشغول اداره امور مالیاتی بودند (مستوفی، ۱۳۴۳: ۱/۲۱۴)؛ بدین گونه که برای هر ولایتی، مستوفی در مرکز دارالخلافه به تنظیم دفاتر مشغول بود که این دفاتر پس از تنظیم به حکام این ایالات داده می‌شد تا آنان مالیات این مناطق را جمع‌آوری کنند و پس از کسر مخارج، باقی را برای خزانه‌ی مرکزی ارسال نمایند.

بخش اعظم این درآمدهای مالیاتی از مالیات املاک زراعی بود که بیشتر از رعایا و خرده مالکان اخذ می‌شد. اما از آنجا که در مملکت ایران زندگی اقتصادی مردم، به ویژه در بخش کشاورزی، وضع ثابتی نداشت، به گونه‌ای که آبیاری و تفاوت بارش طی چندین سال بر میزان محصول تأثیر بسزایی می‌گذاشت، اجرای ممیز و تمدید آن، هر چند سال یکبار، ضروری بود؛ اما حکومت قاجار، که روزه روز بر مشکلات مالی اش افزوده می‌گشت، هرگز به فکر اجرای مجدد ممیزی نیفتادند، تا پولی صرف این کار نشود و خزانه‌ی تهی مملکت تهی‌تر نگردد.

نتیجه‌ی مستقیم تجدید نکردن ممیزی، ثابت بودن میزان مالیات در مورد منابع مالیاتی بود. بر همین اساس، مسئله‌ی تفاوت عمل مطرح شد تا در صورت ترقی یا نقصان منابع مالیاتی، مبلغی به طور تخمینی برای کاهش یا افزایش مالیات در نظر گرفته شود. با این حال، این افزایش یا کاهش تخمینی بود و چه بسا با وضع مؤدیان مالیاتی همخوانی نداشت. به علاوه، مسئله به همین جا خاتمه نمی‌یافت؛ زیرا مأموران جزء و زیر دست حاکم، خود بر این تفاوت عمل می‌افزودند (روزنامه‌ی مجلس، ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ق: ۲؛ حسینی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۷۷). این گونه بود که در بسیاری از موارد فشاری بیش از حد توان مؤدیان برای اخذ مالیات بر آن‌ها وارد می‌آمد (سرپرسی سایکس، بی‌تا: ۲/۵۵۴؛ کرزن، ۱۳۵۰: ۲/۵۶۳؛ لمبتون، ۱۳۶۳: ۳۱۰).

حتی در مواردی که حکومت مرکزی تخفیف مالیاتی برای منطقه‌ای در نظر می‌گرفت، حکام این تخفیف را برای مؤدیان آن منطقه قائل نمی‌شدند و همان مبلغ سابق را از آنها اخذ می‌کردند (روزنامه‌ی مجلس، ۱۶ شوال ۱۳۲۵ق: ۴؛ براون، ۱۳۷۶: ۲۲۸؛ محیط مافی، ۱۳۶۳: ۵۹).

برای بیان نمونه‌ای از این مسئله، می‌توان به کاهش محصول ابریشم در گیلان طی دهه‌ی ۱۸۶۰ میلادی بر اثر بروز بیماری کرم ابریشم اشاره کرد که ابتدا حکومت تخفیفی برای مالیات آن قائل نشد، اما پس از این امر، در سال ۱۸۶۷-۱۸۶۸ میلادی حکومت مرکزی مالیات ابریشم کاران گیلان را تا حدود ۲۰ درصد کاهش داد، اما حاکم از این کاهش مالیات سوءاستفاده کرد و می‌خواست همان مالیات سابق را از روستاییان اخذ کند (لمتون، ۱۳۶۲: ۱۲۱؛ آفاری، ۱۳۸۵: ۲۰۸).

در مورد دو صنف قصاب و نانوا در تهران، بقال‌ها در یزد و غیره نیز که شاه آن‌ها را از دادن مالیات معاف کرده بود، حکام به همین روش عمل می‌کردند و معافیت آن‌ها را رعایت نمی‌کردند (فلور، ۱۳۶۶: ۲/۸۸).

نمونه‌ی دیگر از این اجحافات، گرفتن مالیات از منبعی بود که دیگر خود آن منبع وجود نداشت؛ زیرا ممیزی جدیدی نشده بود که از نابودی آن منبع عایدی، اطلاع یابند (روزنامه‌ی مجلس، ۵ جمادی الاول ۱۳۲۵: ۳). مانند آن که فردی در یکی از نواحی ایران بر حسب تعداد احشامش مالیاتی می‌داد که پس از مرگ آن فرد و از بین رفتن احشام او، همچنان کارگزاران دیوانی آن ناحیه، مالیات احشام را از فرزندانش می‌گرفتند؛ البته این کارگزاران هم که از مسئله آگاه بودند، برای کسب سود و نیز جبران کردن پیشکش‌هایی که برای به دست آوردن این مقام به مقامات بالاتر از خود داده بودند، همچنان این مالیات را دریافت می‌کردند (روزنامه‌ی مجلس، سال اول، ش ۱۱۵، ۵ جمادی الاول ۱۳۲۵ ق، ۳ (مکتوب انار)).

به دلیل چنین دست اندازهایی بود که کرزن نوشته است: ممیزی دوباره ی اراضی کشاورزی، سبب وحشت و نگرانی همه ی طبقات، غیر از روستاییان، می شد؛ زیرا از تجدید نشدن ممیزی، حکام، نایب الحکومه ها و کدخدایان و دیگر مأموران دخیل در جمع آوری مالیات سود می بردند و برای اخذ مالیات بیشتر بر روستاییان فشار می آوردند. این درحالی بود که از اضافه مالیات اخذ شده سودی نصیب خزانه ی مرکزی نمی شد؛ اما در صورت ممیزی دوباره، روستاییان و دیگر مؤدیان مالیاتی براساس بضاعت خود مالیات می دادند و حکومت مرکزی نیز از این مالیات بهره مند می شد (کرزن، همان: ۵۶۳).

علت اخذ تفاوت عمل هایی بیش از آنچه در کتابچه ی دستورالعمل ایالات ثبت شده بود توسط حکام و زیردستان آنها و اجرا نکردن چنین تخفیف هایی، فقط ثروت اندوزی آنها نبود؛ زیرا به علت رسم فروش مناصب که در آن دوران رواج داشت، این مأموران می بایست مبالغ بالایی پیشکش به شاه و اطرافیان او می دادند تا به حکومت ایالتی می رسیدند. آنها برای جبران مبالغی که صرف این پیشکش ها کرده بودند و به علاوه کسب سود، این رسم را میان زیر دستان خود در ایالت بر قرار می کردند و به علاوه مبالغی اضافه بر مالیات اصلی و فرعی (تفاوت عمل) از زیر دستان خود، که مسئول امور مالیاتی ایالت بودند، می گرفتند. استمرار این شیوه میان زیردستان حاکم برای تامین هزینه هایی که صرف رسیدن به مناصب خود کرده بودند و نیز درآمد زایی و کسب سود، سبب می شد سرانجام مودیان مالیاتی، همچون دهقانان و رعایا، و در شهرها کسبه و کارگران و مجبور می شدند این هزینه ها را پردازند (روزنامه ی مجلس، ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ق: ۲؛ دولت آبادی، ۱۰۲، ۱/۱۳۷۱). این امر نارضایتی آنها را در پی داشت (روزنامه ی مجلس، ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۵ق: ۲؛ کرزن، همان: ۵۷۰)، که با جابه جایی حکام در هر سال تشدید می شد، که به نظر می رسد این امر برای کسب پیشکش بیشتر بود (دولت آبادی، ۱۳۷۱، همان: ۱/۳۴۳).

یکی دیگر از مشکلات نظام اداری دوره قاجار، جمع آوری مالیات هر ایالت و اختصاص دادن آن به خرج همان ایالت یا حقوق و مواجب صاحبان حقوق و قشون بود (تهرانی، ۱۳۷۹: ۵۵۹). مقاطعه دادن درآمدهای مالیاتی و گسترش رسم اعطای تیول در این دوره را نیز باید به مشکلات این نظام افزود. علاوه بر این‌ها، شرایط اخذ مالیات نیز سختی‌هایی بر مؤدیان مالیاتی تحمیل می‌کرد؛ از جمله آن که مأموران مالیاتی هنگام اخذ مالیات در روستاها، چندین روز در آن روستا می‌ماندند و کشاورزان آن منطقه می‌بایست هزینه‌ی غذای آن‌ها و نیز خوراک اسبان‌شان را بدهند (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۵۹). از سوی دیگر، در بیشتر مواقع، هنگام اخذ مالیات، رسیدی به مؤدیان نمی‌دادند که نشان دهنده‌ی پرداخت مالیات باشد و به این بهانه بارها و بارها از آن‌ها مالیات طلب می‌کردند (فلور، ۱۳۶۶: ۱/۷۲).

از دیگر معایب این نظام مالیاتی، قرار گرفتن مالیات فقط بر دوش طبقه‌ی کشاورز بود؛ هرچند که در شهرها کسبه و اصناف نیز مالیاتی می‌پرداختند؛ اما همان گونه که پیش‌تر ذکر شد، بیشترین عایدات حکومت را بخش روستایی تأمین می‌نمودند. البته این مالیات شامل حال مالکان متنفذ نمی‌شد زیرا آن‌ها از زیر بار مالیات شانه خالی می‌کردند و این بار تنها بر دوش رعیت‌ها بود (همان: ۲/۸۳).

از دیگر گروه‌های ثروتمند جامعه، صرافان بودند که مالیاتی برای آن‌ها وضع نشده بود (همان: ۲/۲۰۴). تاجران، که از ثروتمندان جامعه به شمار می‌آمدند، نیز بجز عوارض گمرکی و راهداری، مالیاتی نمی‌پرداختند و در واقع مالیاتی بر درآمد آن‌ها وضع نشده بود (همان، ۱۵۲ و ۲/۱۵۴). در این میان فروشندگان خارجی نیز، با تکیه بر دولت‌های خود، از پرداخت مالیات شانه خالی می‌کردند (همان: ۲/۱۹۰).

به علاوه، باید این نکته را اضافه کرد که از اموال و املاک شخصی مالیاتی اخذ نمی‌شد (کرزن، همان: ۱/۵۷۹). بر اساس آنچه گفته شد، به راحتی می‌توان دریافت که این وضعیت در کل سبب می‌شد حکومت از نظر اقتصادی با مشکلاتی مواجه شود و از

لحاظ اجتماعی نیز سبب می‌شد که طبقات پایین جامعه به سختی زندگی کنند. این شرایط نابهنجار نظام مالی، در دوره‌ی پیشا مشروطه سبب گردید تا مصلحان، اصلاح نظام مالیاتی را در اولویت قرار دهند و دست به اقداماتی برای بهبود آن بزنند.

### اقدامات مصلحان اجتماعی

امیر کبیر از نخستین مصلحان عصر قاجار است. او که از لشکرنویسان بود، در سال ۱۲۵۱ هجری قمری به شغل و لقب مستوفی نظام در لشکر آذربایجان منصوب شد و پس از طی مراحل خدمات صادقانه، ملقب به وزیر نظام شد و به‌طور کلی ریاست اداره‌ی تدارکات دارایی، حمل و نقل و سر رشته‌داری لشکر آذربایجان را عهده دار شد (بامداد، ۱۳۶۳: ۲۱۱). ذکاوت و توجه وافر امیر کبیر به محاسبات و تدارکات، هنگامی که در منصب وزیر نظامی در معیت ناصرالدین شاه به سر می‌برد (رک: پیام بهارستان، شهریور ۱۳۸۴: ۷۳)، سبب گردید، هنگام عزیمت ولیعهد به تهران در سال ۱۲۶۲ هجری قمری، به لقب و شغل امیر نظامی (فرماندهی کل قوا) نائل بیاید.

پس از آن، هنگامی که ناصرالدین شاه به تخت سلطنت جلوس کرد، امیر نظام را با لقب اتابک اعظم و امیر کبیری به صدارت اعظم مفتخر نمود (مستوفی، ۱۳۴۳: ۶۵). او هنگامی که در مقام صدر اعظمی به سر می‌برد، اقدامات فراوانی برای پیشبرد ایران انجام داد. در راستای همین هدف، امیر کبیر قوانینی برای اصلاح نظام مالیاتی برقرار ساخت که عبارت بودند از: فرستادن مأموران از سوی خود به ایالات برای رسیدگی به حساب حکام و وصول وجوه باقی مانده از مالیات (بقایا)، محدود کردن صادرات و برانداختن رسم سیورسات سپاهان، جلوگیری از زیاده‌روی‌های محصلان مالیاتی، ممیزی مجدد زمین‌ها، دادن تخفیف مالیاتی به کشاورزانی که با مشکلاتی در زمینه‌ی زراعت، از جمله ملخ خوردگی، مواجه شده بودند و اقداماتی از این قبیل. علاوه بر این، او تیول را محدود کرد و حتی فرمان داد دیوان آن‌ها را ضبط کند (آدمیت، ۱۳۶۱: ۱۲۰ و ۲۷۲ و ۲۷۵ و ۲۷۹).

او برای محدود ساختن تخلفات و جمع آوری دقیق مالیات، مستوفیانی به ولایات فرستاد تا مسئولیت ثبت مالیات‌ها و محاسبات آن‌ها را بر عهده گیرند. رسیدگی به آبادانی تیول‌ها نیز در حیطه‌ی وظایف آنها بود (همان، ۱۳۶۱: ۲۷۶-۲۷۷). این‌ها همان مستوفیان در محل بودند که کارهای دفتری ایالات را به دست گرفتند و کتابچه‌ی دستورالعمل آن مناطق نیز از دست حکام خارج شد و در دست آن‌ها قرار گرفت. با وجود این اقدامات، پس از قتل امیر کبیر، وضع به حال سابق برگشت و کسی اقدامات او را پیگیری نکرد. از این روی، اصلاحات وی به تدریج به فراموشی سپرده شد؛ به همین سبب، دوباره کشور با مشکلات مالی مواجه گردید. مستوفیان محلی نیز به همدستی با حکام روی آوردند و از طریق حساب سازی، مانع رسیدن عایدات ایالات به خزانه‌ی مرکزی شدند. آن‌ها با دریافت رسوم و تقدیمی، یا همان رشوه، به ثروت اندوزی مشغول شدند و وظیفه‌ی اصلی خود را که جلوگیری از اجحاف به مردم بود، فراموش کردند. از آنجا که در کتابچه‌ی دستورالعمل مستوفیان مرکز فقط میزان کل مالیات و دیگر عایدات ایالات ثبت شده بود، آن‌ها از جزئیات این مبالغ اطلاعی نداشتند و رسیدگی به حساب مستوفیان محلی از طریق اسناد مستوفیان مرکز ممکن نبود. مستوفیان محل نیز این دفترچه‌ها را که به خط سیاق نوشته شده بود، ملک طلق خود می‌دانستند و آن را به کسی نمی‌دادند (روزنامه‌ی مجلس، ۲۹ ذی الحجه‌ی ۱۳۲۵ق: ۱؛ مصدق، ۱۳۷۰: ۴۹-۵۱؛ کرمانی، ۱۳۵۱: ۹۷).

خالی بودن خزانه‌ی مرکزی و نیاز به پول برای تأمین مخارج شاه و دربار نیز سبب شده بود منصب فروشی و فروش ایالات به حاکمان گسترش یابد و همین مسئله به فشار افزون‌تر بر رعایا برای اخذ مالیات بیشتر بینجامد (کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مهر ۱۳۸۴: ۶۱). در این دوره، یکی دیگر از مصلحان عصر قاجار که این وضع را بر نتابید و به فکر اصلاح حکومت، به ویژه در زمینه‌ی امور مالی و مالیاتی افتاد، میرزا حسین خان سپهسالار (مشیرالدوله) بود. از اقدامات این صدر اعظم ناصرالدین شاه در بُعد مالیاتی، مالیات ستاندن از موقوفات و وضع قانون مجلس تنظیمات و اجرای آن در سال ۱۲۹۱ هجری قمری بود.



هدف از اجرای چنین قانونی، محدود نمودن قدرت حکام بود. در این مجلس که در هر ایالتی تشکیل می شد، رؤسای اداره های دولتی آن ایالت، از جمله مستوفی، حضور داشتند؛ اما حاکم اجازه ی ورود به آن را نداشت. او می بایست بر اساس قوانینی که این مجلس وضع می کرد، مالیات را جمع آوری می نمود. یکی از اعضای مجلس تنظیمات منشی بود که گزارش اقدامات این مجلس را، پس از مهر شدن توسط اعضای آن، به تهران ارسال می کرد. از قوانین مجلس شورای تنظیمات درباره ی امور مالیاتی این بود که هیچ مأموری حق نداشت علاوه بر مالیات اصلی، دیناری اضافه از مردم برای خود بگیرد و گرفتن تعارف و پیشکش از سوی کدخداها و نایب الحکومه ها نیز ممنوع شد؛ مأموران حاکم هم که به بلوک می رفتند، اجازه نداشتند خدمتانه و قلق از رعیت بگیرند؛ مستوفیان نیز نمی بایست اضافه بر مالیات اصلی، چیزی با عنوان پیشکش، خلعت بها، ناز شست و غیره، از حکام بگیرند (آدمیت، ۲۵۳۶ شاهنشاهی: ۱۸۸-۱۸۹).

علاوه بر این، هر شش ماه یکبار می بایست کدخدایان و ریش سفیدان دهات به مقر حکومت می آمدند و قبوض مالیاتی خود را، که مستوفی ها با اطلاع مجلس شورای تنظیمات تنظیم کرده بودند و به مهر حکام رسیده بود، تحویل می گرفتند و بر اساس اقساط تعیین شده، مالیات خود را می پرداختند. در صورت رعایت این قسط ها و به موقع تحویل دادن مالیات، مأموران مالیاتی اجازه نداشتند به دهات وارد شوند؛ اما در صورت رعایت نکردن آن و دیر کرد در پرداخت قسط های مالیات، جریمه می شدند. اگر کدخدا اضافه بر مالیات، چیزی از رعایا می گرفت، مجلس یاد شده او را جریمه می کرد و حق رعیت را به او باز می گرداند.

بر اساس این قانون، اگر دهی خراب می شد، یا به هر دلیلی میزان محصول آن کاهش می یافت، مجلس می توانست عده ای را برای ممیزی به آن ده بفرستد و در صورت تأیید خرابی، در مالیات آن تخفیف قائل شود. سربازگیری را که بر اساس بنیچه بود، به قید قرعه قرار داد تا افراد متنفذ در دهات، از جمله کدخدا، خود و فرزندان شان را از سربازی معاف

نکند (همان: ۲۱۷-۲۲۱). مواجب کدخداها و ماموران محلی نیز می‌بایست پرداخت می‌شد تا مانع دست اندازی آن‌ها به مال حکومت و بیشتر ستاندن از رعایا شود (لمتون، ۱۳۶۲: ۳۱۴). علاوه بر این موارد، میرزا حسین خان سپهسالار، حتی مستشارانی از اتریش به خدمت گرفت تا امور مالی و مالیاتی ایران را مانند اروپا مرتب سازد، اما مستوفیان، که تمام امور مالی مملکت را قبضه کرده بودند می‌دانستند که با اجرای این قوانین مزایا و اختیار آنان کاسته می‌شود؛ از این رو با هر اصلاحی به مقاومت برمی‌خواستند؛ حکام نیز همراه با آنان به کارشکنی‌هایی پرداختند که مانع نتیجه دادن اقدامات وی می‌شد (همان: ۳۱۱-۳۱۳).

در زمان صدر اعظمی عین الدوله در دوره‌ی سلطنت مظفر الدین شاه (۱۲۷۵-۱۲۸۵ هـ.ش / ۱۳۱۲-۱۳۲۲ ه.ق) نیز اقداماتی برای اصلاح وضع مالی کشور انجام شد که از آن جمله ایجاد اداره‌ای به نام صندوق مالیه به سال ۱۳۲۱ هجری قمری در هر ایالت بود. این اداره تحت نظر مسیو نوژز بلژیکی قرار داشت (بزرگ امید، ۱۳۶۳: ۹۹). و طبق آن دستور العمل مخصوص در وصول مالیات داده شد، (کرمانی، ۱۳۵۱: ۴۳).

بر اساس قوانین آن، حاکم هر ایالتی می‌بایست عایدات را، پس از وصول کردن، به آن اداره تحویل می‌داد و این اداره مخارج را می‌پرداخت. بر اساس این طرح، مأمور صندوق می‌بایست که مالیات را به اقساط معین از حاکم محل تحویل بگیرد و به مخارج معین که در کتابچه‌ی دستور العمل او منظور شده بود، برساند؛ اگر حاکم در پرداختن اقساط مالیاتی غفلت و کوتاهی می‌کرد، علاوه بر این که قسط را با تنزیل آن استرداد می‌کرد، برای شخص حاکم نیز حکمی معین و مجازاتی معلوم داشت (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۱/۲۴۳).

در این طرح، شرط تنظیم امور و تعیین صحت کارهای دولتی و مملکتی با کابینه‌ی مخصوص بود که باید در مرکز ریاست کل تشکیل و با وصول و قواعد صحیحه در تحت یک ریاست مستقل برقرار می‌شد که علاوه بر رسیدگی بر نوشتجات، وظیفه‌ی صدور و وضع احکام دولتی را بر عهده داشت. علت ایجاد این صندوق پیشرفت نظام مالیاتی، آسایش عموم و سرو سامان گرفتن مواجب و حقوق مناصب لشکری، کشوری، نظامی و

سایر ارباب و وظایف حقوق بیان شده است (روزنامه‌ی ایران سلطانی، سال ۵۷، ش ۳۰: ۲). گرفتن عایدات سه ماه اول سال بعد همراه عایدات سال قبل، گرفتن هدایا یا همان تقدیمی‌ها از رجال متمول و محدود نمودن اختیارات حکام در وصول مالیات، از دیگر اقدامات عین الدوله در زمان صدارت اعظمی بود که به سختی می‌توان نام اصلاحات بر آن‌ها گذاشت (دولت آبادی، همان: ۱/۳۵۳). در سال ۱۳۱۸ هجری قمری نیز، به دلیل نیاز مظفر الدین شاه به پول برای سفر به اروپا، مستشاری بلژیکی به نام مسیو انگلس به خدمت گرفته شد تا امور مالی مملکت را سرو سامانی بخشد، اما این بار نیز مستوفیان با ندادن اطلاعات و نیز قرار ندادن کتابچه‌های خود در اختیار او، سبب شدند او بدون انجام دادن کاری به کشور خود باز گردد (بزرگ امید، همان: ۹۲).

ایجاد اداره‌ی صندوق مالیه نیز نتیجه‌ای دربر نداشت؛ زیرا همچنان مالکان و دیگر مؤدیان مالیاتی متنفذ مالیات خود را پرداخت نمی‌کردند و حکام نیز که مالیاتی از خرده مالکان و رعایا و بعضی از اصناف دریافت می‌کردند، به بهانه‌های مختلف، از جمله پرداخت نشدن مالیات، اقساط اداره‌ی صندوق را نمی‌پرداختند و حتی آن را به صرافان می‌دادند تا سود بگیرند (همان: ۹۹).

بر اثر این عوامل و نیز خرج تراشی‌های شاه و اطرافیانش، در دوره‌ی سلطنت مظفر الدین شاه، خزانه به قدری تهی گشت که حکومت به استقراض از بانک‌های خارجی روی آورد. با این حال، حاکمان ایالات و زیر دستان آن‌ها همچنان مبالغی اضافه، به نام مالیات، از رعایا می‌گرفتند و رعایت حال آن‌ها را نمی‌کردند. حتی در زمان قحطی و خشکسالی نیز از این کار دست برنمی‌داشتند؛ به گونه‌ای که در بعضی نواحی، از جمله قوچان، رعایا برای پرداخت مالیاتی که حاکم مطالبه می‌کرد، مجبور می‌شدند دختران و پسران خود را بفروشند (روزنامه‌ی حبل المتین، ۱۹ محرم ۱۳۲۵ق: ۲؛ کسروی، ۱۳۵۱: ۸۵؛ نجم آبادی، ۱۳۷۴: ۱۴).

حکومت مرکزی نیز به دلیل گرفتن پیشکش از حاکم ایالت، به درخواست رعایا مبنی بر تخفیف مالیات اعتنایی نمی‌کرد (روزنامه‌ی مجلس، ۱۵ محرم ۱۳۲۵ق: ۲؛ نجم آبادی، ۱۳۷۴: ۲۰). از سوی دیگر، دیوان استیفا در تبدیل جنس مالیاتی به پول نقد (تسعیر) قیمت را پایین تعیین می‌کرد، اما حکام برای کسب سود بیشتر آن را به میزان بسیاری بالا می‌بردند. مؤدیان مالیاتی در زمانی که به علت آفت خوردگی، قحطی و... تولید غله پایین بود، به تسعیر جنس مالیاتی تن می‌دادند، اما می‌بایست به نرخ بالایی که حکام تعیین کرده بودند، این کار انجام می‌شد، که این امر فشار مضاعفی را بر مؤدیان وارد می‌کرد (نجم آبادی، همان: ۱۷).

این مسئله یکی از عواملی بود که سبب مهاجرت عده‌ی زیادی از رعایا به ممالک خارجه، از جمله روسیه، و تن دادن آن‌ها به کارگری در آنجا می‌شد (کسروی، همان: ۸۵). شایان ذکر است که فرار مؤدیان مالیاتی عاملی در تشدید فشار بیشتر بر مؤدیان باقی مانده بود؛ زیرا مالیات به شیوه‌ی بنیچه بود (تعیین کلی مالیات) و در صورت فرار عده‌ای، در زمان تقسیم محصول، سهم افراد باقی مانده از مالیات، بیشتر می‌شد (نیکتین، ۲۵۳۶ شاهنشاهی: ۱۶۴). تسعیر، علاوه بر مشکلاتی که در مورد تغییر در نرخ آن توسط حکام ایجاد می‌کرد، سبب شد از سویی میزان غله انبار شده در انبارها کاهش یابد و حکومت نتواند با احتکار آن و پیامد منفی‌اش، یعنی گرانی نان، مقابله کند و از سویی دیگر با ترقی قیمت محصولات، چیزی عاید خزانه مرکزی نمی‌شد؛ زیرا بزرگ مالکان و حکام مالیات را به قیمت پایین تسعیر می‌کردند (کسروی، همان: ۲۰۱). در کل، در این نظام مالیاتی، بیشترین هزینه‌ی حکومت را زارعان پرداخت می‌کردند، اما حکومت عایدات حاصل از آن را صرف اقدامات خود در شهرها، به ویژه پرداخت حقوق صاحب منصبان لشکری و کشوری خود، می‌کرد که جزو قشر شهر نشین مملکت به شما می‌آمدند. اگر از این عایدات چیزی هم صرف امور عام المنفعه می‌شد، مکان هزینه کردن آن‌ها شهرها بود نه روستاها. این موضوع نشانه‌ای آشکار از بی‌عدالتی در مالیات‌گیری بود.

در دوره‌ای نظام اداری کشور به صورت غیر متمرکز اداره می‌شد که کشاورزی به سوی تجاری شدن می‌رفت (فوران، ۱۳۸۵: ۱۹۴). در همین دوره، عده‌ی بسیاری از کشاورزان، به دلیل مالیات‌های سنگین، به شهرها، به ویژه شهرهای روسیه (نظیر باکو)، مهاجرت کردند و به کارگری در آنجا تن دادند (فشاهی، ۱۳۵۷: ۵۸). سیر نزولی کشاورزی معیشتی، در کنار نابودی صنایع داخلی، به علت ورود کالاهای خارجی ارزان قیمت، سبب شد که مردم مملکت دیگر درآمد چندانی نداشته باشند و به علاوه خود به مصرف کنندگان کالاهای خارجی تبدیل شوند (همان: ۱۹۰-۱۹۵). تمام این عوامل سبب شد مالیات‌های اخذ شده از یک ایالت، دیگر پاسخگوی خرج‌های آن ایالت نباشد. مسائل طبیعی و جوی نیز به این وضعیت دامن می‌زد؛ از همین رو حکام و زیر دستان او برای برابر کردن دخل و خرج ایالت و نیز ثروت اندوزی بیش از پیش به مودیان مالیاتی فشار آوردند تا مالیات بیشتری اخذ کنند.

از سوی دیگر، با ویرانی وضع کشاورزی خود بسنده‌ی ایران، که بر اساس مصرف داخلی محصولات کشاورزی بود، و وابسته شدن آن به اقتصاد جهانی و نیز صدور سرمایه‌ی مالی و کالا به ایران، همگی سبب شد سازمان مالیه‌ی کهن ایران از عهده‌ی اداره‌ی مملکت و رفع مشکلات آن بر نیاید (فشاهی، همان: ۵۹). توسعه‌ی مبادلات پولی نیز سبب شد به جای مالیات جنسی، پول نقد از کشاورزان طلب شود و تسعیر گسترش یابد. در این مسئله نیز حکام برای ثروت اندوزی خود به افزایش قیمت تسعیر دست زدند و بر ظلم وارد بر کشاورزان افزودند. از سوی دیگر، کشاورزان برای تهیه‌ی پول نقد، و به منظور انجام دادن معاملات خود، مجبور شدند. در هنگام برداشت محصول، که زمان فراوانی محصول بود و در نتیجه قیمت محصول پایین بود، محصول خود را بفروشند یا حتی قبل از زمان برداشت، پیشاپیش محصول خود را به فروش گذارند، یا به نزول پول از ربا خوران روی آورند که همگی این عوامل به فقر بیشتر کشاورزان و در نتیجه کاهش مالیات حکومت انجامید.

زیرا همان گونه که گفته شد، بیشترین درآمد مالیاتی حکومت از بخش کشاورزی بود (همان‌جا). شرایط نابسامان اقتصادی و اجتماعی ذکر شده، بر عدم تحقق یافتن خواسته های مصلحان اجتماعی تأثیر نهاد؛ اصلاحات آنان نتوانست راه خود را در میان نظام مالی کهن قاجاریه، به گونه‌ای که خواسته‌های آنان در دوران مشروطه دنبال شد، باز کند.

### تفکرات مصلحان اجتماعی

این وضع اسف بار مالیاتی سبب شده بود در دوره‌ی قاجار، عده‌ی بسیاری از وضع موجود انتقاد، و راه‌هایی برای اصلاح آن پیشنهاد کنند. از جمله‌ی این افراد میرزا یوسف مستشار الدوله‌ی تبریزی (۱۲۳۹-۱۳۱۳ق) دیپلمات ایرانی عصر ناصری در روسیه و فرانسه بود. او تجربه‌های سیاسی- اجتماعی خود را در آن دوره در قالب رساله‌ای ذیل عنوان یک کلمه، منتشر کرده است. در این رساله توجه نویسنده با مقوله‌ی قانون کمک به توده‌ی مردم برای انقیاد حکام و پادشاهان و جلوگیری از استبداد و خودرأیی آنهاست. از همین روی او به مسئله‌ی مالیات نیز پرداخته است. مستشار الدوله بر تعیین مالیات بر حسب ثروت با رعایت عدالت و مساوات تأکید کرده و معتقد است مالیات بر اساس درآمد و سود سالانه‌ی افراد مشخص شود، نه با توجه به نیاز دولت (مستشار الدوله‌ی تبریزی، ۱۳۸۲: ۵۹). استقرار اندیشه‌های او را می‌توان در مرامنامه‌های حزب دموکرات که اندیشه‌های خود را ارائه کرده‌اند، دنبال نمود؛ آنان نیز به دنبال برداشتن مالیات از دوش قشرهای ضعیف جامعه بودند.

خان خانان نام نویسنده رساله رساله‌ای در سیاست است که در سال ۱۳۱۴ هجری قمری نگاشته شده است. او گویا از نزدیکان مظفر الدین شاه بوده است که به رمز کشورداری فرنگیان آشنایی داشته است و چون اوضاع ایران را آشفته می‌بیند، از اقداماتی که برای اصلاح کشور باید انجام داد به تفضیل سخن رانده است. در این رساله انتقاد به نظام مالیاتی آن زمان، به ویژه گرفتن مالیات از رعیت نه از ثروتمندان، رعایت نکردن عدالت در بین مؤدیان مالیاتی، رشوه گرفتن مأموران مالیاتی از توانگران و تخفیف قائل

شدن در مالیات آن‌ها و در واقع قرار دادن مالیات این افراد بر دوش افرادی که توانایی پرداخت رشوه به آن‌ها را نداشتند، انتقاد از تفاوت عمل که به جیب حکام می‌رفت و دیده می‌شود (نواب طهرانی، ۱۳۷۶: ۱۲۸). نگارنده‌ی این رساله برای رفع این عیوب پیشنهاد کرده است که هر سال، شش ماه قبل از آغاز سال بعد و در واقع در میانه‌ی هر سال، بودجه‌ی مملکتی برای سال بعد تنظیم شود و میزان مالیات به طور دقیق معین گردد و در دهات مالیات را ریش سفیدان آنجا جمع کنند (آدمیت و ناطق، بی تا: ۲۵۳-۲۵۴). البته باید ابراز داشت که قصد او از بیان این نظرات تغییر و متمرکز ساختن نظام مالیاتی نبوده است، بلکه هدف او اصلاح همان نظام مالیاتی پیشا مشروطه بوده است. ملک المورخین سپهر از دیگر مصلحان اجتماعی، معتقد بود که ایران نیاز به تحول فوری دارد، که به نظر او، این تحول از دو حالت خارج نبود؛ یا تحولی انقلابی که بتواند به کلی زشتی‌های این نظام را از میان بردارد که این تحول به دلیل موانعی چون خالی بودن خزانه و حاضر نبودن مردمان برای تحمل شدائد و امثال آن، به آسانی محقق نمی‌شد و یا تحولی تدریجی باید که وابسته به تعمیر دستگاه نیمه ویران آن زمان و سعی در احیای قسمت‌های کاملاً ویران شده‌ی آن می‌بود، سپهر معتقد بود که راه دوم عملی‌تر و نتیجه‌ی آن زود رس‌تر بود؛ بنابراین در پی این هدف رساله‌ی مظفری را در ۵۲ باب نگاشت.

او اندیشه‌های مالیاتی خودش را نیز در این رساله بیان کرده است؛ که از جمله‌ی آن‌ها ممیزی مجدد زمین‌های زراعی و باغ‌ها، وضع مالیات بر فروشندگان مشروبات الکلی و تریاک، و صاحبان درشکه و کالسکه‌ی شخصی، برقراری دوباره‌ی اصل عشریه در مورد مالیات، یعنی گرفتن یک دهم در آمد فرد بابت مالیات، و اصلاح عمل پول برای افزایش عایدی حکومت بود (همان: ۲۶۶-۲۶۷). دلیل اصلاح مورد آخری در این است که به علت کاهش عیار سکه‌ها، اگر حکومت مثلاً بیست کرور مالیات می‌گرفت، در اصل هفت کرور به دست آورده بود (آدمیت، ۱۳۶۱: ۱۲۰).

او معتقد بود که با برقراری شیوه‌های مالیات‌گیری اسلامی و وضع مالیات‌های غیر مستقیم، می‌توان درآمد دولت را افزایش داد، پس از او نیز گروهی در دوره‌ی مشروطه، همچون او، می‌اندیشیدند و تنها خواستار افزایش عایدات مملکت بودند. میرزا عبد الرحیم طالبوف تبریزی (۱۲۵۰-۱۳۲۹ق) از دیگر مصلحان اجتماعی بود. نقشه‌ی ترقی اقتصادی او ترکیبی بود از اقتصاد اجتماعی، اقتصاد بورژوازی، و دخالت دولت در تعدیل ثروت از طریق مساوات اجتماعی. او در رساله‌ی *ایضاحات در خصوص آزادی تعیین میزان صحیح عایدات*، وضع مالیات جدید بر اموال غیر منقول و مالیات غیر مستقیم، الغای نظام تیول و استرداد املاک خالصه از غاصبین بلاحق، از موارد اصلی اصلاحات مالی بود که او برمی‌شمرد (آدمیت، ۱۳۶۳: ۲/۳۵).

مواردی که از نظر طالبوف بر آن‌ها مالیات تعلق می‌گرفت، عبارت بودند از: مستغلات، منافع تجاری و صرافیه، صنایع و کارخانه و آسیاب، باغ‌ها و مزارع و مراتع و ایلخی، مواجب مأموران دولت و وکلا و مستمری‌های دیوانی، دفینه‌ها، انتقال اموال موروثی، و معادنی که در املاک شخصی پیدا می‌شدند (همان: ج ۲: ۶۲-۶۳/۲).

اما متأسفانه، هیچ‌یک از تفکرات مصلحان اجتماعی در دوره‌ی پیشا مشروطه به عرصه‌ی عمل نرسید و آنان نتوانستند اقدامی عملی برای بهبود وضع مالی انجام دهند. این فشارهای مالیاتی سرانجام سبب شد دهقانان با ندادن مالیات در انقلاب مشروطه شرکت کنند و با این روش اعتراض خود را به مظالم حکومت نشان دهند (قاسمی، بی‌تا: ۲۱؛ فوران، همان: ۲۱۸). در واقع، یکی از خواسته‌های مردم طبقات پایین از مشروطه، کاهش مالیات بود (گروته، ۱۳۶۹: ۸۷).

بر همین اساس، عاملان حکومت جدید بر آمده از انقلاب مشروطه، متأثر از این اندیشه‌های مالیاتی و نیز به منظور اجرای اهداف تجدد گرایانه‌ی خود، اصلاح نظام مالیه‌ی کشور و به تبع آن، مالیات را در اولویت کار خود قرار دادند. اندیشه‌های مالیاتی متفکران و رجال سیاسی دوره‌ی مشروطه متأثر از اندیشه‌های مصلحان پیشا مشروطه بود



که می‌توان آن‌ها را در دو دسته‌ی کلی دسته‌بندی کرد: یک گروه آن‌هایی بودند که در بحث مالیات دیگری به دنبال افزایش عایدات دولت بودند و به تغییر کلی نظام مالیاتی و اخذ مالیات از قشرهای ثروتمند جامعه و نیز گروه‌های شهرنشین چندان توجهی نمی‌کردند؛ اما گروه دیگر که بیشتر در حزب دموکرات و مرامنامه‌ی آن اندیشه‌ی خود را ارائه کردند، به دنبال برداشتن مالیات از دوش قشرهای ضعیف جامعه، یعنی کشاورزان و کارگران، بودند و از همین رو مالیات مستقیم را بر مالیات غیرمستقیم ترجیح می‌دادند؛ زیرا معتقد بودند فشار مالیات غیرمستقیم در نهایت بر همین قشرهای ضعیف وارد می‌شود.

با این حال، در این بین گروه‌های دیگری بودند که بر اخذ مالیات براساس اصول اسلام، یعنی به مقدار یک دهم، تأکید می‌کردند، عده‌ی دیگری نیز به مسئله‌ی مالیات دیگری و تغییر شیوه‌ی آن چندان وجهی نمی‌کردند، بلکه بر مصرف این عایدات برای تأمین امنیت مردم و تشکیلات دولت تأکید می‌کردند و معتقد بودند باید از خرج این عایدات برای شاهزادگان، علما و طلاب بابت مستری آن‌ها، جلوگیری کرد.

### نتیجه‌گیری

در دوران پیشا مشروطه، نظام استبدادی بر ایران حکم فرما بود که در آن مردم جایگاهی نداشتند و رعایای سلطان، شاه یا شاهنشاه خوانده می‌شدند. دادن مالیات برای آن‌ها امری اجباری بود نه از روی رضا و رغبت. در این مدت، مسئله‌ای که پرداخت مالیات را برای مردم توجیه می‌کرد، حکم شرعی علمای دین بود که آن را همانند پرداخت زکات می‌دانستند. نظام فرسوده‌ی قاجار هیچ‌گاه از این مالیات‌ها در جهت ایجاد رفاه عمومی استفاده نکرد و تنها عده‌ای، از این مالیات‌ها بهره بردند. در این میان، مصلحان و متفکرانی بر روی کار آمدند که هدف اصلاح نظام مالیاتی ایران را داشتند، اما با وجود تلاش مصلحان، نظام مالیاتی عصر پیشا مشروطه نتوانست به اهداف تعیین شده دست یابد و موفقیت چندان‌ی کسب کند.

از میان عواملی که سد راه آنان شد، می‌توان به مخالفان داخلی اصلاحات مالیاتی دوره‌ی مشروطه و آن دسته از متمردان مالیاتی اشاره کرد که سال‌ها از پرداخت مالیات‌های خود فرار کرده بودند. این عده با استفاده از نفوذ خود به کارشکنی در کار مصلحان این عرصه دست می‌زدند تا مبادا روزی مالیات را از آن‌ها اخذ کنند. علاوه بر این گروه، مستوفیان نیز با اصلاحات مالیه مخالفت می‌کردند؛ زیرا ملاحظه نمودند که جای آنان را در نظام مالیه‌ی کارمندان متجدد، که با اصول اداری دوره‌ی قبل از مشروطه بیگانه بودند، پر می‌کنند و همراه حضور خود در اداره‌های مالیه، شیوه‌های جدید اداری را در این بخش به کار می‌گیرند.

دول بیگانه، به‌خصوص روسیه و انگلیس، نیز در ردیف این مخالفان داخلی، به گونه‌های مختلف در مقابل اصلاحات نظام مالیه سنگ‌اندازی می‌کردند؛ زیرا آن‌ها به خوبی از این موضوع آگاه بودند که در صورت اصلاح نظام مالیه‌ی ایران و افزایش عایدی آن، در درجه‌ی اول کشور از نظر اقتصادی به استقلال دست پیدا می‌کند؛ و در مرتبه‌ی بعد، از طریق این عایدات، ارتش قوی و کارآمدی تشکیل می‌دهد که در بعد نظامی و سیاسی نیز کشور ایران را مستقل از روسیه و انگلیس می‌گرداند. سرانجام، علی‌رغم تمام تلاش‌های این مصلحان در عرصه مالیاتی، تنها می‌توان ردپای تفکرات آنان را در جهت‌گیری‌ها و اقدامات انجام شده در دوره‌ی پسا مشروطه دنبال کرد.

## کتابنامه

## الف. کتاب‌ها

۱. آدمیت، فریدون. ۱۳۲۳، **امیرکبیر و ایران (یا ورقی از تاریخ سیاسی ایران)**، تهران، چاپخانه‌ی پیمان.
۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۳، **اندیشه‌های طالبوف تبریزی**، چ ۲، تهران، دماوند.
۳. \_\_\_\_\_، ۲۵۳۶، **اندیشه‌ی ترقی و حکومت قانون**، چ ۲، تهران، خوارزمی.
۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۱، **امیرکبیر و ایران**، چ ۶، تهران، خوارزمی.
۵. \_\_\_\_\_، ۲۵۳۵، **فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران**، چ ۲، تهران، پیام.
۶. آدمیت، فریدون و هما ناطق. بی تا، **افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر شده‌ی دوران قاجار**، چ ۲، تهران، آگاه.
۷. آفاری، ژانت. ۱۳۸۵، **انقلاب مشروطه‌ی ایران**، ترجمه‌ی رضا رضایی، چ ۳، تهران، نشر بیستون.
۸. اوبن اوژن. ۱۳۶۲، **ایران امروز (۱۹۰۶ - ۱۹۰۷)**، ترجمه و حواشی و توضیحات از اصغر سعیدی، تهران، کتابفروشی زوار.
۹. بامداد، مهدی. ۱۳۶۳، **شرح حال رجال ایران**، تهران، زوار.
۱۰. براون، ادوارد. ۱۳۷۶، **انقلاب مشروطیت ایران**، تهران، کویر.
۱۱. بزرگ امید، ابوالحسن. ۱۳۶۳، **از ماست که بر ماست (محتوی خاطرات و مشاهدات)**، چ ۲، تهران، دنیای کتاب.
۱۲. تهرانی (کاتوزان)، محمدعلی. ۱۳۷۹، **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**، تهران، انتشار.
۱۳. حسینی تهرانی، مرتضی. ۱۳۶۵، **اصول علم مالیه**، تهران، ابن سینا.

۱۴. دولت آبادی، یحیی. ۱۳۷۱، **حیات یحیی**، چ ۶، تهران، عطار و فردوسی.
۱۵. سایکس، سرپرسی. ۱۳۵۱، **تاریخ ایران**، کرزن، جرج. ن. لرد. ۱۳۵۰، **ایران و قضیه‌ی ایران**، ترجمه‌ی ع. وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۶. فشاهی، محمدرضا. ۱۳۵۷، **تکوین سرمایه‌داری در ایران (۱۷۹۶ - ۱۹۰۵)**، گوتنبرگ.
۱۷. فلور، ویلم. ۱۳۶۶، **جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار**، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، ۲ جلد، تهران، توس.
۱۸. فوران، جان. ۱۳۸۵، **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی**، ترجمه‌ی احمد تدین، چ ۶، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
۱۹. قائم مقامی، جهانگیر. ۱۳۵۹، **نهضت آزادیخواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت ایران (۱۳۲۳-۱۳۲۴ هـ.ق)**، تهران، مرکز ایرانی تحقیقات ایرانی.
۲۰. کرمانی، احمد مجدالاسلام. ۱۳۵۱، **تاریخ انحطاط مجلس**، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۲۱. کسروی، احمد. ۱۳۵۰، **تاریخ مشروطه‌ی ایران**، تهران، چ ۹. امیرکبیر.
۲۲. کرزن، جرج ن برد. ۱۳۵۰، **ایران و قضیه‌ی ایران**، ترجمه‌ی ع. وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۳. گروته، هوگو. ۱۳۶۹، **سفرنامه‌ی گروته**، ترجمه‌ی مجید جلیلود، تهران، نشر مرکز.
۲۴. لمبتون، ا.ک.س. ۱۳۶۲، **مالک و زارع در ایران**، ترجمه‌ی منوچهر امیری، چ ۳، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۵. محیط مافی، هاشم. ۱۳۶۳، **تاریخ انقلاب ایران**، (ج ۱، مقدمات مشروطیت)، به کوشش مجید تفرشی و جواد جان فدا، تهران، فردوسی.

۲۶. مستشارالدوله تبریزی، میرزا یوسف. ۱۳۸۲، **یک کلمه**، به کوشش سید محمدصادق فیض، تهران، صباح.
۲۷. مستوفی، عبدالله. ۱۳۴۳، **شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجار)**، ج ۳، تهران، کتابفروشی زوآر.
۲۸. مصدق، محمد. ۱۳۷۰، **خاطرات و تألمات دکتر ممد مصدق**، تهران، علمی.
۲۹. نجم‌آبادی، افسانه. ۱۳۷۴، **حکایت دختران قوچان**، تهران، روشنگران.
۳۰. نواب طهرانی، مهدی. ۱۳۷۶، **دستور الاعقاب: رساله‌ی انتقادی و سیاسی و اوایل عصر قاجار**، تهران، نشر ندای تاریخ.
۳۱. نیکتین، موسیوب. ۲۵۳۶، **خاطرات و سفرنامه‌ی موسیوب نیکتین (قنسول سابق روس در ایران)**، ترجمه‌ی علی محمد فره‌وشی (مترجم همایون)، ج ۲، تهران، کانون معرفت.

### ب. مجله‌ها

۱. انصاری، لیلا. مهر ۱۳۸۴، ساختار اقتدار مرکزی در ایران قاجار، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، سال ۸، ش ۱۲.
۲. روستایی، محسن. ۱۳۸۴، سندی سیاقیه از روزگار وزیر نظامی میرزا تقی‌خان امیرکبیر، **پیام بهارستان**، سال ۵، شماره ۵۱.

### ج. روزنامه‌ها

۱. **روزنامه‌ی مجلس**، سال ۱، ش ۹۷، پنجشنبه ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵. ق. صص ۱-۲ (مکتوب ترشیز).
۲. \_\_\_\_\_، سال ۱، ش ۲۱۳، ۱۶ شوال ۱۳۲۵. ق.
۳. \_\_\_\_\_، سال ۱، ش ۱۱۵، ۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵. ق.
۴. \_\_\_\_\_، سال ۱، ش ۹۷، ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵. ق.

۵. \_\_\_\_\_ سال ۱، ش ۵۳،۴۶ محرم، ش ۸۱، ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۵ ق.
۶. \_\_\_\_\_ سال ۲، ش ۴۰، ۲۹ ذی الحجه ۱۳۲۵ ق.
۷. \_\_\_\_\_ سال ۱، ش ۴۲، ۷ محرم ۱۳۲۵ ق.
۸. \_\_\_\_\_ سال ۱، ش ۴۷، ۱۵ محرم ۱۳۲۵ ق.
۹. **روزنامه‌ی حبل المتین**، سال یازدهم، ش ۲۸، ۱۹ محرم ۱۳۲۵ ق.
۱۰. **روزنامه‌ی ایران سلطانی**، سال ۵۷، ش ۳.

Archive of SID